

فعالتیت امنی جامعہ پارسیان در ایران

بهار ۱۴۰۴

- ۱ مقدمه
- ۴ یارسان‌ها چه کسانی هستند؟
- ۵ موانع و مشکلات جامعه یارسان
- ۸ چرا پیروان این آیین را مهدورالدم می‌دانند؟
- ۹ تجمعات اعتراضی
- ۱۱ یارسان‌ها در جنگ ایران و عراق
- ۱۳ ترورهای حکومتی
- ۱۴ ناپدیدسازی قهری و قتل‌های حکومتی
- ۱۵ زندانیان سیاسی یارسان در جمهوری اسلامی
- ۱۶ یارسان‌ها در خیزش ۱۴۰۱
- ۱۸ خودسوزی و خودکشی‌های اعتراضی
- ۱۹ مطالبات جامعه یارسان
- ۲۱ بازداشت، بازجویی و فرایند دادرسی
- ۲۵ کاهش آسیب‌های فرایند بازداشت و دادرسی
- ۲۶ اقدامات پیشنهادی بعد از بازداشت
- ۲۸ پیشنهادهای برای دوران بازداشت
- ۳۰ ضرورت افزایش آگاهی درباره جامعه یارسان
- ۳۳ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی
- ۳۵ پیشنهادهای و راه‌کارهای کلی برای رعایت حقوق یارسان‌ها



مقدمه

یارسان‌ها در طول تاریخ با موانع و محدودیت‌های بسیاری از سوی حاکمان و دولتمردان مواجه بوده و تحت انواع خشونت‌ها، تبعیض‌ها و پیش‌داوری‌های نادرست قرار گرفته‌اند. پس از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۷، شرایط زندگی در ایران برای این اقلیت دینی به مراتب دشوارتر شد. بنابر اصل ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی، به جز مسلمانان، تنها اقلیت‌های دینی زرتشتی، کلیمی و مسیحی هستند که اجازه برگزاری مراسم مذهبی خود و رعایت دستورات دینی‌شان را دارند. اگرچه به رسمیت شناخته شدن این ادیان اکیدا به معنای رعایت حقوق آنها نیست، با این حال در پیچ‌وخم‌های قوانین، می‌توان ماده‌ها و تبصره‌هایی را برای دفاع از برخی از مطالبات آنها یافت ولی در خصوص پیروان ادیانی که در ایران به رسمیت شناخته نشده‌اند، از جمله یارسان‌ها، این حداقل‌ها نیز وجود ندارد.

این خلا قانونی موجب تبعیض، محرومیت از حقوق اجتماعی، سیاسی، مذهبی و ... و سرکوب مداوم اعضای جامعه یارسان شده است. به همین دلیل پیروان آیین یاری از هیچ‌گونه حمایت قانونی برای دفاع از حقوق انسانی و اجتماعی خود بهره‌مند نیستند و به اشکال گوناگونی مورد ستم واقع می‌شوند.

عدم استخدام در ادارات دولتی و پست‌های کلیدی، محرومیت از داشتن نماینده در مجلس شورای اسلامی، محرومیت دانشجویان یارسانی از تحصیل در مدارج عالی، تفتیش عقاید و هویت‌زدایی فرهنگی، زبانی و دینی، عدم تخصیص بودجه به مناطق یارسان‌نشین و... تنها بخش کوچکی از این محرومیت‌ها به شمار می‌آید.

ما در این راهنما سعی می‌کنیم ابتدا با پرداختن به سرکوب مضاعف علیه این اقلیت مذهبی تحت ستم، ضمن معرفی کردن آنها، تبعیض‌های سیستماتیک صورت گرفته در حق اعضای این جامعه را شرح دهیم. همچنین در ادامه تلاش خواهیم کرد با ارائه پیشنهادهاتی به اعضای این جامعه در مسیر کاهش خطر بازداشت و آسیب‌های پس از آن از جمله مراحل دادرسی ناعادلانه کمک کنیم.

عناون زیر در این راهنما تشریح شده‌اند:

- یارسان‌ها چه کسانی هستند؟
- موانع و مشکلات جامعه یارسان
- چرا پیروان این آیین را مهدورالدم می‌دانند؟
- تجمعات اعتراضی
- یارسان‌ها در جنگ ایران و عراق
- ترورهای حکومتی
- ناپدیدسازی قهری و قتل‌های جمهوری اسلامی
- زندانیان سیاسی یارسان در جمهوری اسلامی
- یارسان‌ها در خیزش ۱۴۰۱
- خودسوزی‌ها و خودکشی‌های اعتراضی
- مطالبات جامعه یارسان
- بازداشت، بازجویی و فرایند دادرسی
- پیشنهادهاتی برای کاهش آسیب‌های فرایند بازداشت و دادرسی

- ضرورت افزایش آگاهی درباره جامعه یارسان
- قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی
- پیشنهادات و راه‌کارهای کلی برای رعایت حقوق یارسان‌ها



یارسان‌ها چه کسانی هستند؟

یارسان‌ها پیروان یک اقلیت دینی هستند که عمدتاً در مناطق غربی ایران به ویژه استان کرمانشاه سکونت دارند. آمار رسمی و دقیقی از جمعیت آنها در دسترس نیست، با این حال منابع داخلی این جامعه جمعیت خود را حدود سه میلیون نفر تخمین می‌زنند. علاوه بر استان کرمانشاه به‌عنوان خاستگاه اصلی این اقلیت دینی، جمعیت قابل توجهی از یارسان‌ها در مناطق دیگر کشور از جمله شهرهای تهران، شهریار، کرج، همدان، کلاردشت، کردکوی، قزوین، میاندوآب، تبریز و... زندگی می‌کنند.

یاری آیین مردم یارسان است و هر شهروند یارسانی یار نامیده می‌شود. کتاب مقدس یارسان‌ها «دیوان گوره» یا «سرانجام» نام دارد و پرستشگاه آنها جم‌خانه است. همچنین مراسم دینی آنها با برخی از سازها، از جمله تنبور انجام می‌شود. پیروان اصلی آیین یاری را عمدتاً کردها تشکیل می‌دهند، با این وجود در مناطق دیگر ایران اقلیتی از بین اتنیک‌های لر، ترک و فارس نیز باورمند به این آیین هستند. یارسان‌ها خارج از جغرافیای ایران نیز در مناطقی مثل کردستان عراق، سوریه و ترکیه نیز زندگی می‌کنند.



موانع و مشکلات جامعه پارسان

در این بخش به برخی از مشکلات، مطالبات و تبعیض‌های سیستماتیک صورت گرفته توسط جمهوری اسلامی علیه یارسان‌ها پرداخته شده است.

جمهوری اسلامی خارج از مذهب تشیع، حقوق شهروندی پیروان هیچ آیینی را به طور کامل به رسمیت نمی‌شناسد. بسیاری از شهروندان جویای کار یارسان علی‌رغم داشتن تحصیلات عالی صرفاً به دلیل اعتقادات دینی و داشتن سبیل (که از نشانه‌های یارسانی بودن است) در مصاحبه‌های گزینشی با مانع روبرو شده و از استخدام در مراکز دولتی محروم می‌شوند.

● در سیستم آموزشی جمهوری اسلامی، کلیه کتب درسی مقاطع مختلف تحصیلی، از مدارس ابتدایی تا دانشگاه مختص به اسلام تشیع نوشته شده است. در این منابع درسی هیچ‌گونه احترام، تفاهم و مدارا نسبت به ادیان دیگر از جمله آیین یاری آموزش داده نمی‌شود.

● جمهوری اسلامی آیین یاری را به‌عنوان یک دین و هویت مستقل دینی به رسمیت نشناخته و همواره در صدد حذف و هویت‌زدایی پیروان آن از طریق دگرگون‌سازی فرهنگی و دینی برآمده است.

● اعضای این جامعه در مراکز نظامی و انتظامی به دلیل داشتن سبیل مورد بی‌احترامی، تحقیر و اهانت مکرر قرار می‌گیرند و بدون وجود هیچ‌گونه قانون و یا دستورالعملی توسط برخی از فرماندهان و یا رده‌های مافوق خود مجبور به کوتاه کردن و یا تراشیدن سبیل می‌شوند. این موضوع در برخی مواقع باعث فشار روحی فراوان بر این افراد و اقدام به خودکشی در سربازی شده است.

● یارسان‌ها از هیچ‌گونه حق و حقوق مدنی و سیاسی برخوردار نیستند. در شهرها و بخش‌های یارسان‌نشین تمام مقامات سیاسی، انتظامی، اداری، روستا، فرمانداران، شهرداران، بخشداران و ... از افرادی خارج از این جامعه و غیر یارسان هستند.

● به گفته فعالان جامعه یارسان، کتاب‌ها و منابع مربوط به جامعه یارسان در ایران بسیار محدود مجوز چاپ دریافت می‌کنند و نویسندگان و مولفان به دلیل وجود فیلترینگ، برخی از حقایق این آیین را کتمان می‌کنند.

گردآورندگان یا مولفان این کتاب‌ها عمدتاً از جامعه یارسان هستند و با هزینه شخصی اقدام به چاپ و یا نشر به تعداد محدود می‌کنند.

● بسیاری از مراکز روستایی یارسان‌نشین، هنوز از داشتن مدرسه و درمانگاه و دیگر امکانات ضروری محرومند، با این حال مقامات دولتی در این روستاها اقدام به تاسیس حسینیه و مسجد می‌نمایند.

● یارسان‌ها اجازه ساخت جم‌خانه که مرکز اصلی انجام مناسک آیینی آنها است را ندارند. علاوه بر این بسیاری از اماکن مقدس آنها بارها توسط نیروهای امنیتی و بسیج مورد حمله قرار گرفته و تخریب شده است.

● یارسانی‌ها اجازه ندارند مناسک دینی خود را آشکارا به جای بیاورند. پیروان آیین یاری از همان قبرستان‌های عمومی مسلمانان برای دفن اموات‌شان استفاده می‌کنند و دارای قبرستان‌های مجزا نیستند. اعضای این جامعه در زمان فوت با تعالیم دینی مسلمانان و همراه با توهین و تحقیر به خاک سپرده می‌شوند.

● پیروان آیین یاری مانند اعضای سایر ادیان به رسمیت شناخته نشده اجازه ثبت ازدواج، دریافت دیه، ارث، صدور پروانه کسب و... بر اساس تعالیم خویش را ندارند. همچنین از تاسیس مدارس بر اساس آموزه‌ها و تعالیم دینی آنها جلوگیری می‌شود. اعضای جامعه یارسان به محض علنی‌سازی هویت دینی خود از اشتغال و یا ادامه تحصیل محروم می‌شوند، به عنوان مثال علی نظری جلال‌وند و سیاوش حیاتی دو تن از معلمان آموزش و پرورش و از اعضای کنونی «مجمع مشورتی فعالان مدنی یارسان» به دلیل ابراز عقیده دینی خود از اداره آموزش و پرورش اخراج شده‌اند. همچنین آقای حیاتی پس از اخراج بعدها از تسهیلات دانشجوی ممتاز در مقطع دکتری نیز محروم شد.



چرا پیروان این آیین را مهدورالدم می‌دانند؟

مهدورالدم یک اصطلاح فقهی در قوانین کیفری جمهوری اسلامی است و به کسی گفته می‌شود که بر پایه احکام شرع، خونش هدر و بی ارزش بوده و اگر حتی به عمد هم کشته شود، قاتل یا قاتلین مجازات نمی‌شوند. به عبارت دیگر اگر چنین فردی به قتل رسیده و یا مورد ضرب و جرح واقع گردد، قانون حقی در درخواست دیه یا قصاص برای وی در نظر نخواهد گرفت.

بنابر ماده ۳۱۰ قانون مجازات اسلامی، پیروان آیین یاری در صورت به قتل رسیدن توسط یک شخص مسلمان از سوی مراجع قضایی مهدورالدم شناخته شده و متهم مانند یک مسلمان مجازات نمی‌شود. مهمترین نمونه چنین پرونده‌ای قتل میترا استاد از پیروان آیین یاری بود. خانم استاد در خردادماه سال ۱۳۹۸ به دست محمدعلی نجفی یکی از وزیران پیشین حکومت جمهوری اسلامی کشته شد. قتل این شهروند به دلیل یارسانی بودن، «مهدورالدم» دانسته شد و از خانواده مقتول، به اجبار خواسته شد که رضایت دهند.



تجمعات اعتراضی

مردم یارسان پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ یک دوره زمانی پر از سرکوب همراه با سکوت و بی‌خبری را تجربه کردند. بسیاری از مراجع تقلید شیعه مورد تایید حکومت، مانند مکارم شیرازی، بهجت، سیستانی، فاضل لنکرانی، صافی گلپایگانی و... یارسان‌ها را تحت عناوین «کافر» و «نجس» نام برده و در دستورات و احکام شان پیروان خود را از ازدواج، برقراری رابطه صمیمانه و دوستانه با آنها و حتی خوردن غذایشان منع نموده‌اند. در نتیجه سرکوب و فشار حکومت علیه یارسان‌ها طی چهار دهه گذشته، پیروان این آیین بارها علیه جمهوری اسلامی دست به تجمعات اعتراضی زده‌اند.

در دهه ۶۰ خورشیدی جنازه «نورعلی الهی جیحون آبادی» یکی از بزرگان آیین یاری در هشتگرد نبش قبر شد. این اقدام موجب اعتراض پیروان آیین یاری و کشته شدن چند شهروند یارسان شد. همچنین در سال ۱۳۹۴ یک شهروند پیرو آیین یاری به نام «فردین حسینی» به اتهام قتل «عباس‌علی صباحی گلپایگانی» (امام جمعه وقت هشتگرد که دستور نبش قبر «نورعلی الهی جیحون آبادی» را داده بود) اعدام شد.

در سال ۱۳۸۳ سبیل یک سرباز وظیفه یارسانی اهل روستای «اوج تپه قوشاچای» واقع در شهرستان میاندوآب به زور تراشیده شد. در درگیری میان ماموران نیروی انتظامی و مردم این روستا بنابر اعلام منابع غیر رسمی ۹ تن از طرفین کشته شدند. همچنین تعداد زیادی نیز بازداشت شده و در مراجع قضایی برای پنج نفر از دستگیرشدگان این رویداد به نام‌های یونس آقایان، عبدالله قاسمزاده، بخش‌علی محمدی، سهند علی محمدی و مهدی قاسمزاده از بابت اتهام محاربه حکم اعدام صادر شد. حکم چهار تن از این متهمان بعدها به حبس‌های طولانی مدت کاهش یافت، اما مهدی قاسمزاده، در تاریخ ۱۰ اسفند ۱۳۸۷ در زندان ارومیه اعدام شد.



یارسان‌ها در جنگ ایران و عراق

بسیاری از شهروندان یارسان در همان ابتدای به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی به دلیل فشارهای متوالی حکومت، به ناچار به کشور عراق مهاجرت کردند. پس از سال‌ها این افراد از حق داشتن شناسنامه و پاسپورت در هر دو کشور محروم هستند.

اگرچه قوانین مربوط به تابعیت از مسائل مذهبی جداست، با این حال نمی‌توان تاثیر مذهب و آیین را در این مسئله انکار کرد. دلیل جمهوری اسلامی برای خودداری از اهدای تابعیت به این شهروندان، هراس از افزایش جمعیت آنها در ایران است، زیرا به عنوان یک تهدید بالقوه امنیتی به اعضای این جامعه نگاه می‌کند. حتی با وجود اینکه بر اساس ماده ۹۷۶ قانون مدنی در ایران، این افراد می‌توانند دادخواست مطرح کرده و در اداره اتباع پیگیر موضوع تابعیت خود باشند، اما عملاً اعطای تابعیت به این شهروندان کاری دشوار و غیرممکن است.

علاوه بر این روستای یارسان‌نشین «زرده» در تاریخ ۳۱ تیر ۱۳۶۷ در جنگ ایران و عراق مورد حمله بمب‌های شیمیایی عراق قرار گرفت. در این حمله ۲۷۵ نفر از مردم که برای برگزاری جشن مذهبی در این روستا گرد هم آمده بودند، جان خود را از دست داده و ۱۱۴۶ نفر مسموم شدند. پس از گذشت سال‌ها هنوز هم مردم این روستا با مشکلات عدیده‌ای از جمله تولد نوزادان نارس و ناقص، ناراحتی‌های اعصاب، بیماری‌های پوستی و ناراحتی‌های شدید بینایی، شنوایی، تنفسی و... دست‌وپنجه نرم می‌کنند. ولی تاکنون مسئولان حکومتی هیچ اقدامی به منظور رسیدگی به مشکلات مردم این روستا انجام نداده‌اند.



ترورهای حکومتی

جمهوری اسلامی طی چهار دهه حکومت در ایران، صدها نفر از مخالفان سیاسی خود را از راه‌های گوناگون در داخل و خارج از کشور به وسیله ترور حذف کرده است. اگرچه ترور شخصیت‌های دینی و بزرگان آیین یاری صرفاً به حکومت جمهوری اسلامی محدود نمی‌شود، با این حال در چهار دهه گذشته این نوع قتل‌ها رو به افزایش بوده است. در این بخش به اسامی برخی از شخصیت‌های سیاسی و شهروندان یارسان که ترور آنها توسط نهادهای امنیتی صورت گرفته اشاره شده است:

سید خلیل عالی‌نژاد در ۲۷ آبان ۱۳۸۰ در شهر گوتنبرگ، به دست افراد ناشناس به قتل رسید و خانه و پیکرش به آتش کشیده شد. او یکی از شخصیت‌های بزرگ یارسان است که باورمندان آیین یاری اعتقاد دارند ترور وی توسط حکومت جمهوری اسلامی صورت گرفته است.

حسین احمدی جیحون‌آبادی فرزند علی خان احمدی جیحون‌آبادی، از بزرگان جامعه یارسان و دانشجوی رشته جامعه‌شناسی در فرانسه بود. او در ۱۹ فروردین ۱۳۹۰ به دست برخی از ماموران حکومت جمهوری اسلامی در بیمارستان «بعقوبه» عراق ترور شد.

روشن و فرشاد رستمی دو برادر ۱۶ و ۲۰ ساله گرد یارسانی اهل کرمانشاه بودند که در سال ۲۰۱۶ در گوتنبرگ سوئد بر اثر تیراندازی افراد ناشناس ترور شدند. باورمندان یارسان ترور این دو شخص را نیز با انگیزه نفرت‌پراکنی علیه جامعه یارسان و به دست عوامل جمهوری اسلامی می‌دانند.



ناپدیدسازی قهری و قتل‌های حکومتی

در طول چهار دهه گذشته افراد زیادی اعم از بزرگان دینی، هنرمندان، دانشجویان و... پیرو آیین یاری توسط حکومت به قتل رسیده و یا ناپدیدسازی قهری شده‌اند. در این بخش اسامی برخی از این افراد آورده شده است:

قربان حسینی شهروند معلم و فعال در جنبش‌های کارگری بود که در سال ۱۳۶۱ در محوطه زندان دیزل آباد کرمانشاه تیرباران شد.

کیانوش آسا یکی از پیروان آیین یاری اهل کرمانشاه و دانشجوی ارشد دانشگاه علم و صنعت تهران بود. او در اعتراضات ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ در میدان آزادی تهران بر اثر اصابت گلوله نیروهای امنیتی زخمی و پیکر بی جان او پس از حدود ۱۰ روز ناپدید سازی کشف شد.

محسن مرادی ۲۷ ساله و اهل شهرستان دالاهو از توابع کرمانشاه بود. او در سال ۱۳۹۷ در جریان اعتراضات مردمی در کرج دستگیر شد. این شهروند یک هفته پس از بازداشت در مردادماه همان سال بر اثر شکنجه‌های بسیار شدید توسط نیروهای سرکوبگر در زندان قزل حصار کرج کشته شد.

رامین حسینی (مشعشی) در سال ۱۳۹۶ توسط نیروهای سرکوبگر در شهرستان تویسرکان بازداشت و در تاریخ ۳ مهر ۱۳۹۷ در زندان همدان به قتل رسید. فعالان یارسان بر این باور هستند که کشته‌شدن او به دلیل تبلیغ آیین یاری صورت گرفته است.



زندانیان سیاسی پارسان

اعضای جامعه یارسان و فعالان آن به دلایل گوناگونی از جمله تلاش به منظور حفظ فرهنگ، آیین و آداب و رسوم خویش، برگزاری مراسمات مذهبی، فعالیت در عرصه آموزش زبان مادری، فعالیت‌های هویت‌خواهانه و... توسط نهادهای امنیتی بازداشت و به حبس و زندان محکوم می‌شوند. در اکثر مواقع فعالان یارسانی پس از بازداشت با اتهاماتی از قبیل «تبلیغ علیه نظام»، «اجتماع و تبانی برای برهم زدن امنیت داخلی» و... مواجه می‌شوند.

سیاوش حیاتی، مژگان کاووسی، خیرالله حق جویان، سید امین عباسی، نوشاد طاهری و... از چهره‌های مطرح آیین یاری هستند که بارها توسط نهادهای امنیتی بازداشت و احضار شده و یا توسط مراجع قضایی به حبس محکوم شده‌اند.



پارسان‌ها در خیزش ۱۴۰۱

در خیزش ۱۴۰۱ شهروندان یارسانی نیز مانند دیگر مردم ایران حضور پررنگی در اعتراضات خیابانی داشتند. در تاریخ ۲۲ آبان ۱۴۰۱ و در بحبوحه اعتراضات سراسری در ایران، جمعی از پیروان آیین یاری در شهر صحنه مراسم گرامیداشتی را به مناسبت بیست و یکمین سالگرد جان باختن «سید خلیل عالی نژاد» برگزار کردند. ده‌ها شهروند و فعال یارسان طی این مراسم و پس از آن در منازل شخصی خود توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند که در نهایت دادگاه برای ۵۹ تن از این افراد قرارهای محکومیت صادر کرد.

همچنین در اعتراضات صورت گرفته در کرمانشاه تعدادی از شهروندان یارسان با شلیک نیروهای سرکوبگر کشته شدند که در این بخش به اسامی برخی از آنان پرداخته شده است:

سینا نادری، ۲۲ ساله و آرمین صیادی ۱۸ ساله، شهروندان اهل کرمانشاه در تاریخ ۲۰ مهر ۱۴۰۱ در جریان اعتراضات محله دره‌دریژ این شهر به‌دست ماموران امنیتی کشته شدند.

مینو مجیدی، شهروند ۶۲ ساله اهل قصر شیرین در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۴۰۱، در جریان خیزش اعتراضی مردم کرمانشاه با شلیک گلوله نیروهای سرکوبگر کشته شد.

رضا رسایی معترض ۳۴ ساله و اهل شهرستان صحنه بود که در جریان خیزش ۱۴۰۱ دستگیر و توسط شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان کرمانشاه به اعدام محکوم شد. او در شانزدهم مرداد ۱۴۰۳ اعدام شد.

محمد مهدی گرمی ۲۲ ساله، اهل بیجار و ساکن کرج در جریان خیزش ۱۴۰۱ بازداشت و سپس به اتهام «افساد فی الارض از طریق ارتکاب جرایم علیه امنیت کشور» به اعدام محکوم شد. حکم او در تاریخ ۱۷ دی ۱۴۰۱ بدون اطلاع خانواده اجرا شد. به گفته نزدیکان این معترض اعدام شده، یارسان بودن او از سوی خانواده‌اش پنهان شد تا به انگیزه‌ی دیگری برای اعدام او تبدیل نشود.



خودسوزی و خودکشی اعتراضی

در خرداد ۱۳۹۲، سبیل یک زندانی یارسانی به نام «کیومرث تمناک» در زندان همدان به زور تراشیده شد. پس از این واقعه در سلسله واکنش‌های اعتراضی سه شهروند پیرو آیین یاری به نام‌های «حسن رضوی»، «نیکمرد طاهری» و «محمد قنبری» دست به خودسوزی اعتراضی زده و جان خود را از دست دادند. فعالان یارسان، این زنجیره‌ی خودسوزی‌های اعتراضی را واکنشی مرگبار به تبعیض‌های صورت گرفته توسط حکومت علیه مردم یارسان و توهین به آداب و رسوم آنها قلمداد می‌کنند.

همچنین در فروردین ماه سال ۱۳۹۳ حکمت صفری، جوان یارسانی اهل استان کرمانشاه که دوره خدمت سربازی خود را در یکی از پادگان‌های سپاه پاسداران استان کردستان می‌گذراند، در اعتراض به توهین فرماندهان به مقدسات آیینی اش دست به خودکشی زد و جان خود را از دست داد.

افزون بر این، یکی از دانشجویان یارسان دانشگاه رازی کرمانشاه با نام شلیر احمدی در سال ۱۳۹۰ توسط نهادهای امنیتی بازداشت و پنج ماه را در بی‌خبری مطلق در زندان اوین سپری کرد. او پس از آزادی موقت بر اثر پیامدهای شکنجه، تهدید و احضارهای پی‌درپی نهادهای امنیتی در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۹۱ دست به خودکشی زد و جان باخت. وی پیش از خودکشی از سوی اداره اطلاعات احضار و از او خواسته شده بود ظرف سه روز خود را به زندان اوین برساند.

ما جامعه یارسان خواهان حتی شهروندی برابر
مانند سایر هم وطنان خود هستیم

مطالبات جامعه یارسان

- نخستین و مهمترین خواسته جامعه یارسان به رسمیت شناختن آیین یاری به عنوان یک اقلیت ادیان رسمی در قانون اساسی است.
- حقوق شهروندی جامعه یارسان به رسمیت شناخته شده و مانند دیگر مردم ایران با آنها تعامل و رفتار شود.
- پیروان آیین یاری در مناطق مختلف کشور اجازه برگزاری آزادانه مناسک دینی خود را داشته باشند. به نمادهای مذهبی آنها احترام گذاشته شود و به آخوندها، افراط گرایان مذهبی (چه شیعه و چه سنی) اجازه داده نشود تا در تریبون‌های رسمی و غیر رسمی علیه جامعه یارسان و پیروان این آیین نفرت پراکنی کرده و با کافر و نجس خواندن یارسان‌ها بخش مذهبی و محافظه کار جامعه را علیه آنها بشورانند.

- در استخدام پیروان آیین یاری در مراکز و ادارات دولتی رفع گزینش صورت بگیرد و ملاک و معیار انتخاب یک شخص در یک سمت میزان توانایی، مهارت و تحصیلات آن باشد نه صرفاً داشتن یک مذهب و یا یک اتنیک خاص. پیروان آیین یاری به دلیل داشتن دین متفاوت و نشانه‌های منحصر به دین و فرهنگ خویش مانند سبیل و... از استخدام در این ارگان‌ها منع نشوند.
- به یارسان‌ها اجازه داده شود در مناطق و شهرهای که اکثریت دارند برای خود اماکن مذهبی ساخته و آداب و رسوم خویش را به جای آورند. همچنین به دلیل آنکه تمامی متون مذهبی پیروان آیین یاری به زبان کردی نوشته شده، به رسمیت شناختن زبان کردی به عنوان زبان آیینی یارسان‌ها و حق آموزش آن از سوی دولت به رسمیت شناخته شود.



بازداشت،

بازجویی

و فرایند

دادرسی

سیاست سرکوب و انکار در جمهوری اسلامی علیه یارسان‌ها و دیگر اقلیت‌های مذهبی سیستماتیک است. اعضای جامعه یارسان نیز به عنوان پیروان یک اقلیت دینی به رسمیت شناخته نشده در سیستم جمهوری اسلامی در فرایند بازداشت، بازجویی و دادرسی مورد تبعیض و نابرابری فراوانی واقع می‌شوند. اگرچه برای همه فعالین سیاسی و مدنی که در چنین فرایندی قرار می‌گیرند، بی‌عدالتی و نقض حقوق بازداشتی به کرات روی می‌دهد، اما در این میان اگر شخص بازداشتی یک فعال سیاسی از یک اقلیت دینی به رسمیت شناخته نشده باشد، به مراتب بیشتر در معرض خطر، آسیب و محرومیت قرار می‌گیرد.

در این بخش سعی شده است ضمن پرداختن به موارد نقض حقوق یارسان‌ها در فرایند بازداشت، بازجویی و دادرسی با ارائه راهکارهایی از پتانسیل‌های موجود در قانون اساسی جمهوری اسلامی، جهت دفاع یارسان‌ها از خود در محاکم قضایی و جلسات بازجویی استفاده شود. هرچند فضای بازجویی مملو از توهین، تحقیر و بی‌احترامی و شکنجه است، با این حال شخص بازداشتی ابزارهای در دست دارد که می‌تواند در دفاع از خود از آن بهره‌مند شود.

- در اغلب مواقع وقتی یک شخص یارسانی دستگیر می‌شود فارغ از اینکه دلیل بازداشت او چیست، اولین چیزی که با آن مواجه می‌شود توهین و تحقیرهای مذهبی است. بازجوها و ماموران امنیتی با آگاهی از موضوع تقدس مَهر بودن سبیل نزد مردان یارسان، اقدام به تراشیدن، کندن و یا کشیدن سبیل بازداشتی‌ها و زندانیان می‌کنند.
- بسیاری از شهروندان یارسانی که به دلیل فعالیت‌های اجتماعی بازداشت شده و در جلسات بازجویی حضور داشته‌اند به پژوهشگران فعالیت امن گفته‌اند، بازجوها به محض اطلاع یافتن از دین آنها با عناوینی از جمله کافر، بی‌دین، نجس و.. آنها را مورد خشونت کلامی قرار داده‌اند.

● خانواده شهروندان بازداشتی یارسانی از سوی نهادهای امنیتی تحت فشار قرار گرفته و به آنها گفته می‌شود در صورت اطلاع رسانی و غیر مسلمان معرفی کردن فرزندان‌شان، احکام سنگین از جمله حبس‌های طولانی مدت در انتظار آنها است. به همین دلیل بسیاری از خانواده‌ها بازداشت فرزندان‌شان را اطلاع رسانی نمی‌کنند و یا مجبور هستند هویت دینی او را کتمان کنند تا دستاویزی برای صدور احکام سنگین علیه فرزندان آنها نباشد.

● برخی از فعالان یارسانی که تجربه بازداشت توسط نهادهای امنیتی را داشته‌اند می‌گویند بازجوها، گاهی اوقات سعی می‌کردند با مطرح کردن اتهامات واهی شخصیت فردی، اجتماعی و آیینی شخص بازداشتی را تخریب کنند. به‌عنوان مثال در جلسات بازجویی به یک شخص بازداشتی یارسانی تهمت زده‌اند شما در مراسمات مذهبی خود (در یک روز از سال) روابط جنسی دسته‌جمعی با یکدیگر دارید. بازجوها با طرح این اتهام از او خواسته بودند این تهمتهای ناروا را پذیرفته و به آن اقرار کند، اقراری که مجازات آن می‌تواند اعدام باشد.

● در بازجویی‌ها شهروندان یارسان به دلیل داشتن آیین خارج از دین و مذهب رسمی حکومت تهدید به حبس‌های طولانی مدت، اعدام و محاربه می‌شوند. بازجویان و سیستم قضایی از این ترفند برای ساکت نگه داشتن خانواده‌ها و جلوگیری از رسانه‌ای شدن خبر بازداشت و روند دادرسی آنها استفاده می‌کنند تا بتوانند در سکوت خبری به سرکوب بیشتر و همراهی نکردن افکار عمومی و رسانه‌های حقوق بشری با آنها دامن بزنند.

● از آنجایی که مبانی فکری قانون اساسی جمهوری اسلامی عموماً بر اساس اسلام شیعه است، بنابراین افراد غیر مسلمان از جمله یارسان‌ها «کافر» محسوب شده و هیچگونه حق و حقوقی ندارند. اگرچه این موضوع به صراحت در قانون اساسی به آن اشاره نشده است، اما بنابر اصل یک قانون اساسی جمهوری اسلامی قضات و حاکمان می‌توانند بنابر تشخیص خود از موارد فقهی برای صدور حکم علیه افراد غیر مسلمان از جمله یارسان‌ها استفاده کنند.

● اگرچه بازجوها، مقامات قضایی و مسئولین زندان‌ها مدعی هستند بین یارسان‌ها و مسلمانان تفاوت و تبعیض قائل نیستند اما در عمل اینگونه نیست. به دلیل اینکه این افراد دارای تفکرات ایدئولوژیک اسلامی هستند و پیروان آیین یارسان را خارج از اسلام و غالباً کافر می‌دانند، هرگونه سختگیری و فشار بر اعضای این جامعه را در فرایند بازداشت و دادرسی در راستای کسب ثواب و یا به گمان خودشان هدایت آنها مجاز می‌دانند.



کاهش آسیب‌های بازداشت و دادرسی

در سیستم جمهوری اسلامی که سرکوب اقلیت‌ها سیستماتیک است و یارسان‌ها به شدت انکار می‌شوند، ممکن است فکر کنید آنها چگونه می‌توانند در فرایند بازداشت و دادرسی از خود محافظت کرده و راهکارهایی را در راستای کاهش آسیب‌های آن در پیش بگیرند. از یاد نبریم تا زمانی که ستم مضاعف علیه پیروان این آیین ناشناخته بماند و در سطح داخلی و خارجی مطرح نشود، جمهوری اسلامی و دستگاه سرکوب از این مسئله بهره خواهد برد. از دیگر سو مقابله با جمهوری اسلامی یک امر جمعی و بلندمدت است. پس نیاز است از تمام امکانات و سازوکارهای داخلی و خارجی برای کاهش هزینه بازداشت و دادرسی ناعادلانه در این مسیر استفاده کنیم.

ما در این راهنما در چندین بخش پیشنهاداتی را به شما ارائه خواهیم داد تا در مسیر پر پیچ‌وخم دادرسی ناعادلانه در جمهوری اسلامی به آشکارسازی نقض حقوق بشر و کاهش هزینه بازداشت چه برای فرد و چه برای جامعه یارسان کمک کند.

اقدامات بعد از بازداشت

ما در دو راهنما تحت عنوان «اهمیت آگاهی حقوقی در مورد بازداشت موقت و صدور قرار وثیقه» و «اطلاع‌رسانی درباره بازداشت‌شدگان»، همچنین در بخش «دستگیری» جزوه «فعالیت امن» به تفصیل به اهمیت اطلاع‌رسانی در مورد بازداشت‌شده، روش‌های پیگیری خانواده‌ها، کسب آگاهی حقوقی و ارائه راهکارهای مرتبط پرداخته‌ایم و مطالعه این جزوات را به شما توصیه می‌کنیم. علاوه بر جزوات عنوان‌شده، بازداشت‌شدگان یارسان و نزدیکان‌شان می‌توانند برخی از اقدامات دیگری را که در ادامه به آن اشاره شده، برای کاهش آسیب‌های بازجویی و بازداشت در پیش گیرند.

● با توجه به اینکه یارسان بودن یکی از دلایل اصلی فشار و سرکوب افراد بازداشت‌شده این جامعه است، توصیه می‌شود کنشگران، فعالین و خانواده‌های این افراد (خود یا از طریق روزنامه‌نگاران و افراد مورد اعتماد) از نهادهایی که در حوزه حقوق اقلیت‌های مذهبی تحت ستم فعالیت می‌کنند، برای اطلاع‌رسانی کمک بخواهند.

● بسیار مهم است که بازداشت‌شدگان یارسان موارد سرکوب و فشار را به‌دلیل یارسان بودن خود مطرح کنند. مثلاً اگر مجبور شده‌اند آیین خود را در بازداشت انکار کنند و گفته باشند پیرو دین مورد تایید حکومت هستند و یا درباره آیین و مناسک آیینی خود دست به خودانکاری زده باشند و یا حتی اگر خانواده‌های فرد بازداشت شده اقدام به این کار می‌کنند نیز بسیار مهم است که در رسانه‌های عمومی به آن پرداخته شود.

● با در نظر گرفتن اینکه موضوع اقلیت‌های تحت ستم برای نهادهای بین‌المللی حائز اهمیت است، یارسان‌ها می‌توانند توسط نزدیکان و خانواده‌های بازداشت‌شدگان موضوع بازداشت، جزئیات و مستندات وضعیت ویژه خود را از طریق آنها اطلاع‌رسانی کنند.

● با توجه به اینکه جامعه یارسانی دارای یک «مجمع مشورتی فعالین مدنی یارسان» و رهبران دینی پر نفوذ مانند «سید نصرالدین حیدری» در جامعه خود هستند، افراد نزدیک و خانواده‌های بازداشت‌شدگان می‌توانند از نقش آنها برای پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان و کاهش هزینه بازداشت و دادرسی ناعادلانه بهره بگیرند.

برخلاف ادعاهای نیروهای حکومتی که سکوت به نفع شخص بازداشت شده است، مورد رضا رسایی نشان داد که سکوت و تاخیر در رسانه‌ای کردن منجر به صدور حکم اعدام علیه او شد.



پیشنهاداتی برای دوران بازداشت

- بر اساس اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.» بنابراین اگر شما به عنوان یک شهروند یارسان در حین بازجویی توسط بازجوها به دلیل داشتن دین متفاوت و یا سبیل مورد سوال قرار گرفتید، می‌توانید به بازجو یادآوری کنید که طبق ماده فوق تفتیش عقاید ممنوع است و مسلک و دین شما یک امر شخصی به حساب می‌آید.
- اگر بازجو از شما در رابطه با دلیل شرکت در مراسم و یادبودهای دینی‌تان سوال کرد یا قصد داشت در خصوص فعالیت فعال دیگری از شما کسب اطلاع کند، ابتدا از او بخواهید اتهامات شما تفهیم شود و سپس می‌توانید به او پاسخ دهید سوال مورد نظر به اتهام شما بی‌ارتباط است و مایل نیستید به آن پاسخ دهید.
- اگر بازجو فعالیت‌های شما را مصداق اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام و.. به شمار آورد و از شما سوالاتی از این دست پرسید، می‌توانید بگویید هیچ اقدامی در راستای این اتهامات انجام ندادید.

- شاید بگویند این موارد بسیار خوشبینانه هستند، اما پژوهشگران فعالیت امن در گفتگو با فعالین و زندانیان سیاسی سابق پی برده‌اند بازجویان با علم به اینکه بازداشت‌شده از موضوعی آگاهی ندارد او را با همان موضوع تحت فشار قرار می‌دهند. از دیگر سو گرچه تجربه بسیاری از بازداشت‌شدگان نشان می‌دهد که بازجویان و بازپرس‌ها اعتنایی به این یادآوری‌ها نمی‌کنند و می‌گویند قانون ما هستیم؛ اما در برخی از موارد این آگاهی توانسته است در طول بازجویی و حتی در زمان دادگاه به نفع افراد باشد. حتی در مواردی به آزادی موقت زودتر افراد منجر شده است. یکی از بازداشت‌شدگان خیزش ۱۴۰۱ در این خصوص می‌گوید، آگاهی از حقوق و قوانین، به آزادی موقت من با قید وثیقه بسیار کمک کرد. شما می‌توانید جهت به دست آوردن اطلاعات بیشتر در خصوص نحوه تعامل با بازجوها و رفتار در بازداشتگاه، بخش‌های مربوط به بازجویی، حقوق شهروندی و حقوق متهم را در جزوه «فعالیت امن» مطالعه کنید. آگاهی حقوقی در بازداشت نیز مسئله مهمی است و توصیه می‌کنیم راهنمای «اهمیت آگاهی حقوقی در مورد بازداشت موقت و صدور قرار وثیقه» را در این زمینه مطالعه کنید.
- جمهوری اسلامی یکی از امضاکنندگان اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر از جمله «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اعلامیه جهانی حقوق بشر و همچنین پیمان‌نامه حقوق کودک» است. امضاکنندگان این اعلامیه‌ها مکلف به اجرای بندهای این پیمان‌نامه‌ها در رابطه با حقوق اقلیت‌های دینی، جنسی، اتنیکی و همچنین کودکان هستند. از این رو، فعالان یارسان می‌توانند تمامی موارد نقض حقوق بشر را که علیه اعضای این جامعه توسط جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد، مستند کرده و به نهادهای حقوق بشری و کمیته‌های مرتبط در سازمان ملل ارجاع دهند. آنها از این طریق می‌توانند بر جمهوری اسلامی فشار وارد کنند تا در راستای رعایت حق و حقوق این شهروندان گام بردارند.

ضرورت افزایش آگاهی درباره جامعه یارسان

در این بخش ما تلاش کرده‌ایم با ارائه برخی سوالات در ارتباط با وضعیت ویژه یارسان‌ها در بازداشت و مواردی که می‌توانند باعث فشار بازجویی و دادرسی شوند، برای فعالین، روزنامه‌نگاران، خانواده و افراد نزدیک به بازداشت‌شدگان دغدغه ایجاد کنیم. همچنین ما از این طریق تلاش خواهیم کرد هزینه بازداشت علیه یارسان‌ها را کاهش داده و با مدنظر قرار دادن این موارد، حاشیه امن حکومت برای سرکوب بیشتر اعضای این جامعه را به چالش بکشیم.

● یک شهروند یارسان زمانی که بازداشت می‌شود در فرایند بازجویی و دادرسی به دلیل داشتن آیین متفاوت چه نگرانی و ترس‌هایی دارد؟

● ترس از اتهام مرتد شمرده شدن علیه بازداشت‌شدگان یارسان تا چه اندازه جدی است و این اتهام چه آسیب‌هایی از نظر حقوقی و روانی برای فرد بازداشت شده دارد؟

● یارسان بودن چگونه به دستاویزی برای بازجوها، ماموران، بازپرس و قضات برای اعمال فشار بیشتر تبدیل می‌شود؟

● چگونه توهین، تحقیر و فشار به‌عنوان ابزاری برای سرکوب و نقض حقوق بشر اعضای جامعه یارسان استفاده می‌شود؟

● تهدیداتی که علیه بازداشت‌شدگان یارسان در ارتباط با زندگی اجتماعی، اقتصادی و حتی شخصی آنها در بازداشت وجود دارد چیست؟

● چه عواملی باعث می‌شود یک شهروند بازداشت‌شده یارسان آیین خود را انکار کند و این موضوع چه تاثیراتی بر وضعیت روحی و روانی فرد دارد؟

● چه وعده‌هایی ممکن است توسط بازجویان به یک بازداشت‌شده یارسانی داده شود که منجر به سکوت او شده و روند دادرسی را بر علیه او پیش ببرد؟

● محرومیت و محدودیت‌هایی که به‌دلیل یارسان بودن علیه فرد بازداشت‌شده اعمال می‌شود چیست؟ برای مثال آیا شخص بازداشت شده یارسان حق داشتن وکیلی از اعضای این جامعه دارد؟ آیا در فرایند بازداشت حق دسترسی به تماس تلفنی و یا ملاقات با خانواده به او داده می‌شود؟

- خانواده زندانیان یارسان چه نگرانی‌هایی دارند؟ یارسان بودن چه اندازه نگرانی‌های آنها را افزایش می‌دهد؟
 - چه نوع تهدیداتی علیه خانواده یارسان‌ها صورت می‌گیرد که به سکوت در مورد وضعیت فرد بازداشت‌شده منجر می‌شود؟
 - آیا وضعیت یک فرد بازداشت‌شده یارسان در سطح افکار عمومی و نهادهای حقوق بشری به اندازه کافی مورد توجه قرار می‌گیرد؟
- برای بهبود وضعیت جامعه یارسان ضروری است به سوالات فوق اندیشیده شود و چالش‌های پیش روی یارسان‌ها توسط خبرنگاران، فعالان حقوق بشر و دیگر گروه‌های دغدغه‌مند مورد واکاوی قرار گیرد.

قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی

شهروندان یارسان می‌توانند بر اساس قانون «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» که بخشی از قوانین جمهوری اسلامی محسوب می‌شود، به دفاع از خود در بازداشت و بازجویی بپردازند.

برخی از مواد این قانون که می‌توانند در آگاهی حقوقی و کمک به بازداشت‌شدگان به نفع آنها عمل کند، به شرح ذیل است:

۱- محاکم و دادسراها مکلفند حق دفاع متهمان را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.

۲- اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر، پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.

۳- در جریان دستگیری، بازجویی و یا تحقیق، از اذیت و آزار افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و توهین به آنان، اجتناب گردد.

۴- بازجویان و ماموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم خودداری ورزند.

- ۵- هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده تحت شکنجه بدین وسیله در اساس غیرقانونی است.
- ۶- پرسش‌ها باید مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی فرد بازداشت شده باشد و بازجویان حق ندارند در خصوص اسرار شخصی و خانوادگی و یا موضوعات غیر مرتبط با پرونده، فرد را مورد بازجویی قرار دهند.
- ۷- پاسخ‌ها به همان کیفیت اظهارشده و بدون تغییر و تبدیل نوشته و برای اظهارکننده خوانده شود و افراد باسواد در صورت تمایل، خودشان مطالب خود را بنویسند تا شبهه تحریف یا القاء ایجاد نگردد.
- ۸- از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیاء ضبطی و توقیفی متهمان، اجتناب نموده و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادرها نسبت به اموال و اشیاء تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آنها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده است در حفظ و مراقبت از آنها اهتمام لازم معمول گردیده و در هیچ موردی نباید از آنها استفاده شخصی و اداری به عمل آید.

پیشنهاداتها و راهکارهای کلّی برای رعایت حقوق پارسانها

- کنشگران یارسانی بر این عقیده‌اند که پیروان آیین یاری در طول تاریخ تلاش کرده‌اند با مسلمانان و غیر مسلمانان روابط خوب داشته باشند، این مهم را هم عامل ایجاد کمترین تنش بین اقلیت دینی یارسان و پیروان دیگر ادیان دانسته‌اند. با این حال به باور فعالان یارسان، شناساندن فرهنگ یارسانها به دیگر اقشار جامعه می‌تواند تاثیر فراوانی در کاهش و به حداقل رساندن تنش یارسانها با دیگر گروه‌های اجتماعی از جمله غیر مسلمانان داشته باشد. اقداماتی از قبیل:
- مطالبه‌گری در جامعه یارسان، انجام فعالیت‌های مدنی و تلاش برای اصلاح قوانین تبعیض‌آمیز
 - تشکیل مجامع و گروه‌های مدنی یارسان برای پیگیری مطالبات اعضای این جامعه
 - به باور فعالان یارسان تصویربرداری و انتشار ویدیوهای برگزاری برخی از مراسم دینی و فرهنگی از جمله «جشن خاونکار» و «نوروز» می‌تواند تاثیر مثبتی در شناساندن فرهنگ و آداب و رسوم یارسانها به دیگر مردم ایران داشته باشد.

- موسیقی یارسان در دهه‌های اخیر تاثیر فراوانی در معرفی این جامعه به سایر گروه‌های اجتماعی داشته است؛ به همین دلیل انتشار هرچه بیشتر موسیقی در شبکه‌های اجتماعی برای آشنایی و نزدیکی سایر مردم با جامعه یارسان توصیه می‌شود. به‌عنوان نمونه تشکیل کلاس‌های آموزش تنبور و گروه‌های موسیقی و... از جمله این اقدامات هستند.
- در صورت رد شدن در استخدام در مراکز دولتی می‌توان از پتانسیل‌های درون حکومت مانند اعتراض مکتوب به هیات‌های مرکزی گزینش، دیوان عدالت، کمیسیون اصل ۹۰ و... جهت مستند کردن تضييع حقوق مردم یارسان و انتشار این اخبار استفاده کرد.
- فعالان و روشنفکران یارسان پیشنهاد می‌کنند اعضای این جامعه به‌ویژه جوانان به سمت مشاغل تخصصی و بازاری حرکت کنند. این امر علاوه بر اینکه باعث می‌شوند مردم یارسان به استخدام در ارگان‌های دولتی نیاز نداشته باشند، از لحاظ اقتصادی به استقلال جوانان و پیشرفت آنها کمک شایانی خواهد کرد.
- تلاش برای اتحاد و یکپارچگی یارسان‌ها و تنظیم مطالبات مشترک این جامعه از طریق همسو کردن بزرگان سنتی (که غالباً محافظه‌کار هستند) با جوانان و فعالان سیاسی و مدنی جامعه یارسان، می‌تواند منجر به کسب امتیازاتی از حاکمیت شود.
- ورود بزرگان سنتی جامعه یارسان به فعالیت‌های مدنی و اعتراضی به دلیل نفوذ قابل ملاحظه‌ای که در میان مردم دارند می‌تواند به بهبود وضعیت حقوقی و اجتماعی یارسان‌ها منجر شود.
- فعالان یارسان می‌توانند از طریق ارتباط با مجامع حقوق بشری، رسانه‌ها، احزاب سیاسی، تشکل‌های مدنی و... با شناساندن جامعه یارسان و اطلاع‌رسانی از ستم‌هایی که بر این جامعه می‌رود، قدم‌های مثبتی در راستای بهبود وضعیت یارسان‌ها بردارند.

SAFE
ACTIVISM



بهار ۱۴۰۴